

فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت
دانشگاه شهید بهشتی، پاییز ۹۳

Research Journal of Islamic Philosophy and
Theology of Shahid Beheshti University
کد مقاله: ۲۱۳۶۸

نگاه فلسفی به نوسان قیمت‌ها از دیدگاه ابن خلدون

محمدعلی شیخ *

چکیده

بی‌تردید ابن‌خلدون یکی از متفکران بزرگ جهان اسلام و بلکه کل جهان است. اندیشه‌های بی‌بدیع و خلاق و مبتکرانه وی در تاریخ جامعه‌شناسی، فلسفه تاریخ، دولت و حکومت، نسبت به متفکران پیش از وی قابل قیاس نمی‌باشد، به حق می‌توان وی را پایه‌گذار و مؤسس جامعه‌شناسی نوین و فیلسوف تاریخ نامید. آنچه در این مقاله مشاهده می‌نمایید، تفکر و اندیشه وی در باب فلسفه نوسان قیمت‌هاست. نویسنده تلاش کرده تا دیدگاه این متفکر را در این زمینه تبیین کند. کلید واژه‌ها: قیمت، درآمد، رفاه، احتکار، رونق بازار، سخاوت.

طرح مسئله

ابن‌خلدون در کتاب مقدمه به فلسفه و علل بالا رفتن و پایین آمدن قیمت‌ها و پیشرفت شهرها و سرزمین‌ها و واماندگی آنها می‌پردازد و به خوبی به تبیین و تشریح موجبات آنها پی می‌برد: در فصل ۱۱ از کتاب چهارم مقدمه:

تفاضل الامصار و المدن فی کثرة الرفه لاهلها و نفاق الاسواق انما هو فی تفاضل عمرانها فی الکثرة و القلة...
برتری شهرهای کوچک و بزرگ بر یکدیگر به رفاه مردم و رونق و رواج بازار و عمران و آبادانی آنها مربوط است.

* عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

می‌گوید که افراد به تنهایی قادر به تحصیل و فراهم آوردن معاش و رفع نیازهای خویش نمی‌باشند. از این رو ناچار در زندگی و معیشت نیازمند مساعدت و یاری یکدیگرند. او برای مثال یادآور می‌شود:

دانه گندم از خوشه چیده می‌شود تا زمانی که آماده مصرف گردد، نیازمند تعاون و همکاری دسته‌جمعی یا جداگانه اصناف گوناگون است از قبیل آهنگر و درودگر و دامدار و شخم زن و دروگر. دیگر پیشه‌وران، چون دانه گندم، مراحل یاد شده را پشت سر گذاشتند و برای بهره برداری آماده شدند. پاسخگوی نیاز افراد بسیاری فزون از فراهم کنندگان واقع خواهد شد، بنابراین پس از اجتماع و گرد آمدن افراد و همیاری آنان فرآورده بیش از نیاز ضروری آنها خواهد بود و نیاز ایشان به مقداری کمتر رفع خواهد شد، و مازاد به ناچار در رفاه و رفع نیازمندی دیگران به مصرف خواهد رسید و برای بازاریابی و کسب درآمد تهیه کنندگان به بازار شهرها و کشورهای دیگر سرازیر می‌شود. از این رو بازاریاران و سوداگران بر درآمدهای فزون از نیاز ضروری دست می‌یابند و به رفاه و تجمل‌گرایی رومی‌آوردند و همان‌گونه که در باب پنجم راجع به کسب روزی (الکسب والرزق) یادآوری شد، کسب‌ها و پیشه‌ها بهای اعمال و کوشش‌های انسان‌هاست و هنگامی که کوشش‌ها و فعالیت‌ها راه زیادتی و فزونی در پیش گرفتند، بهای آن فعالیت‌ها و کوشش‌ها نیز رشد کرده افزایش می‌یابد و معیشت مردم رشد می‌کند و سطح آن بالا می‌رود.

این فزون‌یابی‌ها و فزون‌خواهی در پوشاک و مسکن به زیباسازی ظروف و وسائل خانه می‌انجامد، وزندگی مرفه و خدمتکار و مرکوب هرچه بیشتر و بهتر را می‌طلبد و همین امر تهیه کنندگان وسائل رفاهی جامعه را به ابتکار و مهارت وامی‌دارد، تا در فرآورده‌های خود نهایت دقت و ظرافت و مهارت را به کار گیرند، از این رو بازار کار و حرفه‌ها رونق می‌یابد و درآمد و هزینه در شهرها افزون می‌شود و رفاه و آسایش به کارورزان و پیشه‌وران رو می‌آورد و این امری است پویا و نایستا.

هر پیشرفتی پیشرفت دیگری را در پی دارد و کسب‌ها و پیشه‌ها به سوی رواج و درخشندگی می‌شتابند و اثر و لازمه این امر رفاه و آسایش آشکار است، صنایع هرچه بیشتر رونق و درخشندگی می‌یابند و قیمت آنها رو به افزایش می‌گذارد و کار و کسب و

بازار پروتق می‌گردد که با وضع اولیه معیشت کاملاً متفاوت است. هر شهری که عمران و آبادانی و کار در آن بیشتر باشد مردم آن شهر از آسایش و رفاه بیشتری نسبت به شهر یا شهرهایی که چنین موقعیتی ندارند برخوردارند.

ابن خلدون از این پس به ذکر مصادیق نظریات خویش می‌پردازد و می‌گوید: قاضی و بازرگان و صنعتگر و بازاری و امیر و حکمران و پلیس یک شهر پیشرفته و پرفراه یا متمدن با همگنان خویش در شهرها و جاهای دیگر از لحاظ درآمد و موقعیت متفاوت است. وضع یک قاضی در شهر فاس (یکی از شهرهای مراکش) به مراتب بهتر است از وضع قاضی دیگر در شهرهای دیگر و وضع بازرگان صنعتگر و... نیز به همین گونه است. سپس ابن خلدون نتیجه‌گیری کرده می‌گوید: بازارها با هم فرق دارند و درآمد و هزینه در آنها متفاوت است. درآمد هر کدام از نامبردگان کفاف هزینه‌های آنها را در شهرهای خود دارد تا به روستاها برسیم که کار و فعالیت مردمش پاسخگوی نیازهایشان نیست از این رو بر آنها نمی‌توان نام شهر اطلاق کرد، و مردم آنها به شهرها نیازمندند و ساکنانشان نسبتاً تهیدست و محتاج و مستمندند.

ابن خلدون بحث را به آنجا می‌کشاند که می‌گوید: مردم از شهرهای کم‌درآمد و روستاها به شهرهای آباد و پروتق می‌روند، توده مردم می‌انگارند این امر معلول دست و دلبازی سکنه شهرهای آباد و پروتق است که چنین کشش و جذبه‌ای را به وجود آورده است، در صورتی که چنین نیست بلکه این امر مولود رونق و رواج بازار کار و رفاه مردم آن شهرهاست. ابن خلدون به ذکر نکاتی درباره دخل و خرج یا درآمد و هزینه می‌پردازد و چنین می‌آورد:

اما حال الدخل و الخرج فمتکافی فی جمع الامصار و متی عظم الدخل عظم الخرج
و بالعکس، و متی عظم الدخل و الخرج اتسعت احوال الساکن و وسع المصر. کل
شیء یبلغک مثل هذا فلا تنکره و اعتبره بکثرة العمران و ما یكون عنه من کثرة
المکاسبه التي یسهل بسببها البذل و الایثار علی مبتغیه (همان، ص ۲۸۸).

وضع دخل و خرج در تمام شهرها متناسب با وضع آنهاست، هرگاه درآمد فزونی گرفت هزینه هم افزوده می‌شود و بعکس، چون دخل و خرج راه زیادت گرفت، زندگی و معیشت ساکنان آن شهر و خود شهر توسعه می‌یابد.

این گونه مطالب را که گفته شد منکر مشو و آن را معلول پیشرفت تمدن و عمران و کثرت درآمد و رونق پیشه و کار بدان و بذل و بخشش کسانی را که در این وضعیت قرار دارند به همین امر مربوط به شمار:

و مثله بشأن الحيوانات العجم مع بيوت المدينة الواحدة كيف يختلف احوالها في هجرانها او غشيانها فان بيوت اهل النعم و الثروه و المواید الخصبته منها تكثر بساحتها واقنيتها بنثر المحبوب و سواقط الفتات فيزدحم عليها غواشى النمل والخشاش و يحلق فوقها عصائب الطيور حتى تروح بطانا "و تمتلى شعباً و ريا" و بيوت اهل الخصاصه والفقراء الكاسدة ارزاقهم لايسرى بساحتها ديب و لايلحق بجوها طائر ولا تأوى الى زوايا بيوتهم فارة ولا هرة ...، واعتبر و غاشية الاناسى بغاشية العجم من الحيوانات (همان، ص ۲۸۷).

حيوانات و پرندگان و حشرات هم در خانه‌های يك شهر چنين اند و وضع آنها در آمد و شد بدان خانه‌ها به اين گونه است: خانه‌های ثروتمندان و افراد مرفه‌ای که مساحت بسيار دارند و در حياض و پيشخوان آنها دانه‌ها و بازمانده سفره‌ها ريخته شده، مورچگان بدان‌ها هجوم می‌آورند و بر آنها دسته‌های پرندگان حلقه می‌زنند و سير و سيراب باز می‌گردند ولی در خانه تهيدستان و مستمندان که روزی اندك دارند، هيچ جانوری گرد نمی‌آيد و در فضای آنها پرنده‌ای پرواز نمی‌کند و به گوشه‌ها و زواياى خانه آنها موش و گربه‌ای پناه نمی‌گیرد.

نقش بازار در رفع نیازمندی‌ها

ابن خلدون در فصل ۱۲ از کتاب چهارم مقدمه یاد آور می‌شود:

اعلم أن الاسواق كلها تشتمل على حاجات الناس فمنها الضرورى و هى الأقوات من الحنطة و ما فى معناها ... و منها الحاجى والكمالى مثل الادم و الفواكه و الملابس و الماعون و المراكب و سائر المصانع المبانى ... (ص ۲۸۸).

باید دانست بازارها رافع نیازمندی‌های مردمند، اعم از نیازمندی‌های ضرورى و لازم مانند مواد غذایی از قبیل گندم و جو و نظایر آن مثل باقلا و نخود و دانه خُلر، و دیگر حبوب و چاشنی‌های اغذیه مانند پیاز و سير و غيره غير ضرورى که در مرحله تفننى قرار دارند مثل خورش‌ها و میوه‌ها و انواع پوشیدنی‌ها و اثاث و ابزار خانه و مرکوب‌ها.

سپس می‌افزاید:

فاذا استجر المصر و كثر ساكنه رخصت اسعار الضرورى من القوت و ما فى معنا و غلت اسعار الكمالى من الأدم و الفواكه مايتبعها و اذا قل ساكن المصر و ضعف عمرانه كان الأمر بالعكس (همانجا).

هنگامی که شهر توسعه یابد و ساکنان شهر افزون شوند بهای مواد ضروری از قبیل اغذیه و نظایر آنها ارزان می‌شود و بهای اشیای تفنی و تکاملی چون خورش‌ها و میوه‌ها گران می‌شود، و چون جمعیت یک شهر کاهش یابد و عمران و آبادی‌اش دستخوش ضعف گردد قضیه برعکس خواهد بود. ابن خلدون علت این امر را چنین یاد می‌کند:

والسبب فى ذلك ان الحبوب من ضرورات القوت فتتوفر الدواعى على اتخاذها اذ كل احد لا يهمل قوت نفسه و لا قوت منزله لشهره او سنته فيهم اتخاذها اهل المصر أجمع او الأكثر منهم فى ذلك المصر او فيما قرب منه و لابد من ذلك و كل متخذ لقوته فتفضل عنه و عن اهل بيته فضلة كبيرة تسد خلة كثير من اهل المصر فتفضل الاقوات عن اهل المصر من غير شك، فترخص أسعارها فى الغالب الا ما يصيبها فى بعض السنين من الآفات المساوية و لولا احتكار الناس لها لما يتوقع من تلك الآفات لبذلت دون ثمن و لاعوض لكثرتها بكثرة العمران (همانجا).

علت این است که حبوب از مواد غذایی ضروری است، از این رو برای تولید آنها کوشش بسیار به کار می‌رود و چون هیچ‌کس از تهیه مواد غذایی ماهانه یا سالانه خود و خانواده‌اش غافل نیست لذا مردم به طور عموم یا اکثر در آن شهر یا نواحی نزدیک به آن برای تولید آنها به تکاپو می‌افتند و ناگزیرند این گونه نیازمندی‌های خود را فراهم سازند و چون همه مردم در تهیه آنها می‌کوشند مواد غذایی به دست آمده، به مقدار بسیاری بیش از نیازمندی ایشان و خانواده آنان خواهد بود، بنابراین مواد فراهم آمده زیاد می‌آید و نیاز بسیاری از مردم آن شهر را برطرف می‌کند و بی‌شک مواد غذایی بسیاری افزون بر نیاز مردم گرد می‌آید و اغلب بهای آنها کاهش می‌یابد مگر اینکه در بعضی سال‌ها زراعت دچار آسیب‌های آسمانی گردد و اگر به علت بیم از اینگونه آفت‌زدگی‌ها، مواد غذایی را احتکار نمی‌کردند در نتیجه فراوانی آنها به سبب پیشرفت عمران و آبادانی، رایگان و بلاعوض در دسترس مردم قرار می‌گرفتند، اما دیگر لوازم غیر ضروری زندگی

مانند خورش‌ها و میوه‌ها و نظایر آنها چون مورد نیاز همگان نیستند، مردم بطور کلی یا اکثریت در بدست آوردن آنها تلاش نمی‌کنند و توده مردم بدانها عنایتی ندارند. همین‌که شهرعمران و آبادانی‌اش فزون یافت، عادات و رسوم تجمل‌گرایی و ثروتمندی بیش از حد رواج می‌یابد، آن‌وقت این‌گونه لوازم و تفننی طالبان فراوانی خواهد داشت و طبقات مختلف اجتماع آنها را به نسبت رفاه و آسایش خود به کار گرفته بدان‌ها نیاز پیدا خواهد کرد ولی مقدار موجود این لوازم تفننی در برابر نیاز مردم بی‌اندازه اندک خواهد بود و خریداران آنها به طور روزافزون زیاد می‌گردند در صورتی که لوازم تفننی و تکاملی به همان میزان نخست کمیاب برجای ماند. از این رو خواستاران آنها برای بدست آوردنشان ازدحام می‌کنند و توانگران و خوش‌گذرانان بهای آنها را بیش از اندازه گران می‌پردازند چون خود را نیازمند به آنها احساس می‌کنند و بدین سبب این‌گونه لوازم چنانکه می‌بینیم گران می‌شود (همانجا).

پس از این ابن‌خلدون به دستمزد و هزینه زیاد تهیه این لوازم در بازار کار شهرها می‌پردازد و می‌گوید (همانجا).

گرانی دستمزدها برای تهیه اینگونه لوازم سه علت دارد:

۱. نیاز فراوان مردم به این لوازم که از آبادانی و عمران و توانگری و تجمل‌خواهی مایه دارد؛

۲. مهم شمردن پیشه‌وران و صنعتگران کار خود را عزیز داشتن خویش به علت سهولت معاش در شهر و ارزانی و فراوانی ارزاق ضروری و عمومی؛

۳. فزونی ثروتمندان آسایش طلب و نیاز بسیار آنان به استفاده از خدمات دیگران و بهره‌وری از مهارت صنعتگران، از این رو رقابت و همچشمی آنان با یکدیگر سبب می‌شود تا مزدهای گزاف و بیش از ارزش حقیقی کار پردازند و در نتیجه کارگران و هنرمندان و پیشه‌وران ارجمند می‌گردند و کار ایشان گران می‌شود و این امر هزینه زندگی مردم شهر را بیش از پیش افزایش می‌بخشد.

ابن‌خلدون بازار شهرهای کوچک را مورد بررسی قرار می‌دهد و می‌گوید: به علت رکود بازار، قوت و روزی مردم به قدر نیاز فراهم نمی‌شود و هر کسی سعی بر آن دارد تا هر چه بیشتر ارزاق را ذخیره کند لذا ارزاق عمومی کمیاب می‌شود و بهای آنها فزونی

می‌یابد و بازار کساد و بی‌رونق می‌شود و مراتع و وسائل کسب روزی مردم به سبب نداشتن خواهان بی‌استفاده می‌ماند و تباه می‌گردند.

ابن خلدون در باره بازار یا داد و ستد املاک می‌گوید:

ان تأثل العقار و الضیاع لاهل الامصار و المدن لا یكون دفعة واحدة ولا فی عصر واحد... (همانجا).

فزونى ملك برای مردم شهرهای کوچک و بزرگ بیکاری روی نمی‌دهد، زیرا هیچیک از آنها هرچند در نهایت رفاه باشند، تا بدان حد ثروت ندارند که بتوانند املاکی بدست آورند که بهای آنها بیش از حد عادی باشد، بلکه آنها را به تدریج از نیاکان و خویشاوندان به ارث می‌برند به گونه‌ای که رفته رفته املاک اعضای خاندان به یک تن می‌رسد و بدین‌سان، یک نفر صاحب املاک و اراضی فراوان می‌شود، یا اینکه بر اثر نوسان بازار مالک چنین املاکی می‌گردد.

ابن خلدون سخن را بدینجا می‌کشاند که می‌گوید:

فأن العقار فی آخر الدولة و اول الاخری عند فناء الحامية و حرق السیاح و تداعی المصر إلى الخراب تقل الغبطة به لقللة المنفعة فیها بتلاشی الأحوال فترخص قیمتها و تملك بالأثمان الیسيرة و تتخطی بالمیراث إلى ملك آخر و قد إستجد المصر شبابه باستنحال الدولة الثانية (همانجا).

بهای املاک در پایان دوران یک دولت و آغاز یک دولت دیگر تنزل می‌یابد زیرا نیروی نگهداری و نگهداری ملک از بین می‌رود و به مرزها خلل می‌رسد و شهر ویران می‌گردد و بازار املاک کساد و بی‌رونق می‌شود، زیرا وضع به هم خورده و بهره‌وری از املاک کاهش می‌پذیرد، از این رو بهای آنها نقصان یافته ارزان می‌شود و با بهای اندک تملک می‌گردند و از راه ارث به دیگری می‌رسند و هنگامی که دولت جدید عظمت می‌یابد و نظم و آرامش برقرار می‌شود اوضاع بهبود می‌یابد، شهرها برنایی خود را از سر می‌گیرند و خرید املاک و اراضی مورد علاقه ثروتمندان واقع می‌شود. چون در این هنگام بهره‌وری و سودآوری املاک فزونی می‌گیرند و بهای آنها افزایش می‌یابد، و اهمیتی را حائز می‌شوند که از پیش نداشتند این است معنی نوسان املاک.

باز می گوید:

و ليس ذلك بسعيه واكتسابه اذ قدرته تعجز عن مثل ذلك (همان، ص ۲۹۲).
 پربهایی املاک از کار و کوشش و تلاش شخص مایه نمی گیرد، چون به دست آوردن چنین ثروتی از راه کار و کوشش میسر نیست.

ابن خلدون می افزاید:

فقد يحصل ذلك منه للقليل أو النادر بحوالة الأسواق و حصول الكثرة البالغة منه و العالی فی جنسه و قيمته فی المصر الا أن ذلك اذا حصل ربما امتدت اليه اعين الأمراء والولاة واغتصبوه فالغالب أو أرادوه على بيعته منهم و نالت اصحابه منه مضار و معاطب (همانجا).

گاهی به ندرت از راه تحولات و نوسانات بازار ممکن است کسانی به ثروتی کلان دست یابند و از گرانی بهای املاک و محصولات آنها در شهر، استفاده فراوان ببرند ولی اگر چنین رویداد، بسا دیدگان امراء و اولیاء و فرمانروایان بدان ثروت دوخته شود و غالباً آن املاک را بغضب از چنگ صاحبانش بیرون می آورند یا آنان را به فروختن املاک و دارایی شان بخویشتن مجبور می سازند که در نتیجه زیانها و نگون بختی های عظیمی به ایشان روی می آورد.

اثر باج و خراج بر بازار

باج و خراجی که به نام سلطان در بازارها و دروازه های شهر بر ارزاق عمومی وضع می شود و منافی را که باجگیران بر خود می گیرند، بر قیمت مواد غذایی اثر می گذارند و قیمت آنها را افزایش می دهد و فروشندگان آنچه پرداخته اند روی جنس می کشند و به همین سبب قیمت مواد غذایی در شهرها گران تر از بادیه است، زیرا باج و خراج و دیگر تکالیفی که مأموران بر مردم تحمیل می کنند در میان بادیه نشینان اندک است یا به کلی وجود ندارد ولی در شهرها به ویژه در آخرین مراحل دولت ها این گونه مالیات ها روز افزون است (همان، ص ۲۸۹).

تأثیر کار و هزینه بر مواد غذایی

بعضی اوقات کار و تلاش و هزینه هایی که برای تحصیل مواد غذایی به عمل می آید بر

بهای آنها می‌افزاید ابن‌خلدون مثالی از محیط زندگی خویش در این باره آورده، می‌گوید: در اندلس چون مسیحیان، مسلمانان را از اراضی حاصلخیز آن دیار راندند، مسلمانان ناچار به کناره دریا و بلاد و نواحی ناسازگار آن پناه بردند و در آنجا گیاه و زراعت به خوبی بدست نمی‌آمد و مسیحیان شهرهای خوش آب و هوا را از تصرف آنها خارج ساختند از این‌رو ناگزیر شدند برای کشاورزی، گاوهای مخصوص زراعت را کرایه کنند و با ممارست به اصلاح گیاهان و حاصلخیز کردن زمین‌ها پردازند و در این راه سعی و کوشش فراوان مبذول دارند و نیز با تحمل رنج فراوان به کارهای پرارزش زراعی و تهیه کود دست یازند و در راه کشاورزی مخارج خطیری را متحمل شوند، این هزینه‌ها و کار و تلاش بسیار آنان بر بهای محصولات کشاورزی تأثیر فراوان بخشید و به همین سبب از هنگامی که مسیحیان، مسلمانان اندلس را به مهاجرت به این نواحی مجبور کردند و سواحل و نواحی اطراف آن به مسلمانان اختصاص یافت، کشور اندلس دچار گرانی ارزاق شد، و مردم وقتی دیدند سرزمین ایشان به گرانی ارزاق مبتلا شده است، گمان کردند علت آن کمی مواد غذایی و حبوب در آن ناحیه است در صورتی که چنین نیست و مردم اندلس چنانکه می‌دانیم نسبت به مردم آن ناحیه کشاورزتر و در این امر از دیگران بصیرترند و کمتر فردی از سلطان گرفته تا بازاری در این سرزمین یافته می‌شود که دارای کشتزار و زمین مزروعی کوچکی برای کشاورزی نباشد مگر گروه اندکی از صنعتگران و پیشه‌وران یا غربیانی که از شهرهای دیگر آمده از قبیل مزدوران جنگجو که فاقد زمین مزروعی می‌باشند، از همین رو است که سلطان به این‌گونه جنگجویان جیره یا حقوق جنسی اختصاص می‌دهد یعنی مواد غذایی و علوفه آنان را به مزارع حواله می‌دهد بنابراین علت گرانی همان است که گفته آمد. برعکس بربرها چون در سرزمین‌های حاصلخیز و آبادان به سر می‌برند همه آن سختی‌ها و تلاش‌ها و هزینه‌های سنگین یاد شده در آنان دور می‌شود (همانجا).

نتیجه

این بود شمه‌ای از آرای بدیع یک دانشمند اسلامی قرن ۹-۸ هجری، گرچه امروز با پیشرفت علم اقتصاد این‌گونه نظریات تازگی ندارند، ولی این امر از اهمیت و ارجمندی

مقام ابن خلدون دانشمند برجسته جهان اسلام در روزگاران خود نمی‌کاهد بلکه به سبب نوآوری و طرح مطالب تازه، پیوسته در آسمان دانش بشری می‌درخشد.

منابع

ابن خلدون، مقدمه، بیروت، چاپ دارالعودة، ۱۹۸۸.

